نامه‌ای از ایران

حزب رنجبران ایران

ـ بنظر میرسد که کفگیر رژیم برای جلب "امت حزب الله" و اعزام جوانان فریب‌خورده که تحت تأثیر افیون دین راهی جبهه‌ها میشدند و روی مین میرفتند به ته دیگ رسیده باشد. ساز کردن با مبول جدید "لبیک با خمینی" و همزمان با آن تراشیدن "گشت جندالله" و بازداشت جمعی جوانان درخیابانها برای اعزام به جبهه "بسیج اجباری" خبر از این موضوع میدهد. یک کارگر حزب‌الهی پسرش را که از جبهه فرار کرده و به خانه بازگشته است پنهان کرده و از فرستادن او به جبهه خودداری میکند. پسر یک کارگر دیگر هم که فریب تبلیغات رژیم را خورده و بدون اطلاع و رضایت پدر و خانواده و دزدانه به جبهه رفته بود از جبهه فرار کرده و به خانه برگشته است و حاضر نیست که به جبهه برگردد. او از تلفات سنگین نیروهای رژیم بسط اعتیاد و فساد اخلاق میان پاسداران مدیوانه شدن عده‌ای از فرادو... صحبت کرده است.

ـ یک کارگر که در اداره راه کار میکند برای کار به کردستان اعزام شده بود (برای راه‌سازی). پس از بازگشت از کردستان از قهرمانیها و عملیات شجاعانه مردان و زنان کرد و از تلفات و زبونیهای نیروهای رژیم حرف میزند.

ـ طبق خبر موثقی که یکی از استادان دانشگاه میداد دستور غیررسمی و بی سر و صدائی مبنی بر نام‌نویسی نکردن دختران زیبا و قشنگ همراه روسای دانشکده‌ها و گروههای آموزشی آمده است و ظاهرا یکی از روسای گروه زبانهای خارجی به عنوان اعتراض به چنین عمل کثیفی از مقام خود استعفا داده است. طبق گفته همین منبع دانشگاه تربیت معلم به‌علت بلا گرفتن اختلاف بین دانشجویان جهاد (که دانشگاه تربیت معلم را اداره میکردند) و رئیس دانشگاهی که از طرف وزارت علوم انتصاب شده است، از طرف دانشجویان جهاد دچار اغتشاش شدیدی شده، حتی "جهادیها" در اطاق رئیس دانشگاه را که آنها را از مقامهای خود برکنار کرده بودلاک و مهر کرده‌اند و هنوز تکلیف دانشگاه تربیت معلم معلوم نیست. حتی یکبار که وزیر علوم برای حل اختلاف مابین دانشجویان جهاد و رئیس دانشگاه که آنجا رفته بود با تظاهرات و شعار علیه خودش (از طرف جهادیها) روبرو میشود و فرار را بر قرار ترجیح میدهد. فعلا وضع این دانشگاه پا در هوا است. اینطور که گفته میشود یکی از استادان فیش بانکی یکی از دانشجویان جهاد را دیده که مبلغ ۶ هزار تومان بوده است ظاهرا دوستان از "کمک هزینه" خوبی هم برخوردارند.

ـ طبق اخبار موثق از حدود سه ماه به این طرف حدود ۱۵۰۰ نفر از کارگران شرکت نفت که اکثرا از فراریجنگ‌زده هستند و در مناطق دیگر مشغول بکار هستند بهپاکسازی شده و اتهام بیشتر آنان فعالیت به نفع "گروهکهای ضدانقلاب" میباشد.

ـ بنا به اظهار مادر یکی از شهدا در مرداد ماه و اوائل شهریور حدود ۱۰۵ نفر در اصفهان اعدام شده‌اند که خودش قبر ۵ تن از این شهدا را در یکی از قبرستانهای اصفهان دیده است.

ـ یک نفر راننده سپاه پاسداران که شخص غیرمذهبی و فقط برای گذران زندگی مجبور به کار در سپاه شده است در رابطه با کارش که بردن نیرو به مناطق جنگی است تعریف میکند که در حمله الفجر ۳ قرار بوده است به نقطه معینی از سه جهت حمله شود و یکی از این جهات بوسیله ثارالله صورت میگیرد که زیر باران تیر بارانهای نیروهای عراقی همه افراد که سنشان از بیست سال تجاوز نمی‌کند عقب نشینی میکنند و به هیچ وجه حاضر به پیش روی نمیشوند (لقب افراد خط شکن

میباشد) فرمانده مربوطه دخالت کرده و با پیش کشیدن واقعه کربلا وتحریک افراد وگفتن الله اکبر خودش اقدام به حمله میکندکه بلافاصله زخمی شده ومجدداشروع به روضه خوانی میکندکه بالاخره عده‌ای تحریک شده وبقیه بالاجبار روانه میشوندکه بغیر ازچندنفرهمگی کشته شده ونقش زمین میشوند. یکی ازشرکت‌کنندگان درحمله پس ازخاتمه عملیات میگویدکه دیگرحاضرنیست برای ۲۰۰۰تومان حقوق وچندو عده غذای مجانی خودش را به کشتن بدهد. بنابه اظهار راننده یاد شده اکثرروحیه درسپاه پائین واختلافات زیاد شده است وفقط سپاه ازبیرون "آوازه" داردوازدرون پوسیده‌است.

- درعرض سه ماه گذشته اخبارمبارزات مردم درسراسرایران بگوش میرسدکه همگی آنها با افت وخیزهای مختلف حاکی ازنارضایتی شدیدمردم از حکومت جبارخمینی میباشد. درمشهد،قم، شیراز،اردبیل،تبریز،اصفهان،کردستان، همدان،اندیمشک،... دزفول وتهران بجز افسریه که اهمیت بسزائی داشته و در دفعه آینده گزارش کاملی بشما خواهم داددرمحلات مختلف تهران تظاهرات اعتراضات موضعی کوچك برعلیه رژیم بوقوع پیوسته واکثرا بصورت سیاسی درآمده‌است. درآریانشهر،عشرتآباد،کرج، شهرری،راه‌آهن،دولاب،سیدخندان،خانی آباد،نازی آباد،مخزانه،دراین محلات غالبا شعارعمومی نه شرقی نه غربی نه برقی،نه آبی،نه شاه خائن یا آب دائم وشعارهای ضدآخوندی داده شده.

- جدیدا نرخ بهره را دربانك کارگشائی بالابرده‌اند البته کلاه شرعی آنرا هم پیدا کرده‌اند ازقبیل بیمه اضافی،حق محافظه وغیره وفقط ۱۰هزار تومان برای هرسپرده میدهند.

- شعارنویسی درکیوسکها،آسانسورها،پله‌کانها،توالتهای عمومی وادارات شروع شده‌است.

- شعارهای درسطح تهران نوشته شده - انقلاب آغازشده" مرگ برخمینی".

- اغلب اعضای جتهیه که درراس امورپوده‌اند بخصوص آموزش وپرورش اخراج یا به نقاط دیگرمنتقل شده‌اند.

- برای انتخابات جدید اغلب استاندارها را تغییرداده‌اند.

- تهران - افسریه،بدنبال یکسری اعتراضات ومراجعات مردم برای گرفتن آب لوله کشی بالاخره مردم تهدیدمیکنندکه اگرظرف هفته آینده به این‌مشکل، پاسخ گفته نشودبه شهرداری منطقه مراجعه نموده وتا گرفتن جواب مثبت وقطعی به تحصن میپردازیم. درپایان مهلت تعیین شده بازهم جوابی داده نمیشودوعده‌ای ازمردم افسریه برای تحصن به شهرداری میروند. این عده توسط گشتهای سپاه محاصره میشوندوسپاه با گازاشك‌آوروتیراندازی هوائی میخواهدمردم را متفرق کند که آنها مقاومت میکنندوباسنگ وچوب به پاسداران حمله میکنند. در این درگیری چندگشت‌سپاه(ماشین ها) خردمیشوندکه یکی ازآنها را رژیم بعنوان "سند جنایت منافقین" درمیدان خراسان به نمایش میگذارد. حدود۸ اتوبوس یعنی تعدادی حدودبیش از۳۰۰ نفربستگیرمیشوند. که گفته میشودبلافاصله ۱۳ یا ۱۴ نفرآنها را اعدام کرده‌اند. این درگیریها حدودیك‌هفته بصورت‌جنگ‌وگریزبین مردم افسریه وسپاه پاسداران ادامه داشت. گفته میشودکه مردم شعارهائی ازقبیل "مرگ‌برخمینی،نه شرقی نه غربی،نه آبی نه برقی،نه شاه نه ملا،وردار برووح الله" داده شده‌است.

- تهران - نازی‌آباد "اواخر تیر ماه مسجد محل اعلام میکند که برنج رسیده و مردم میتوانند با در دست داشتن دفترچه بسیج برای گرفتن سهمیه به مسجد محل مراجعه کنند. مردم در صفی طولانی به انتظار سهمیه برنج بوده اند که از طرف رئیس مسجد اعلام میشود. برنج فقطبه خانواده‌هائی داده میشودکه درجنگ‌شهیدداده باشند. این مسئله صدای مردم را درمیاورد وبا رئیس مسجدکه کمیته‌چی لات وبی سروپائی است درگیرمیشوند. درگیری بالامیگیردوسپاه وکمیته دخالت میکنند. مردم شعارمرگ‌برخمینی میدهند وپس ازشروع تیراندازی هوائی،شهربانی بین مردم وسپاه حائل میشودوسعی درآرام کردن تظاهرات میکندکه پاسداران آنها را به فحش میگیرندومیگویندکه شما مشتی ضد-

جمعیت گفت " این اسلحه‌ها را که بدست شما دادیم اگر لازم شد خودمان هم پس میگیریم" عده‌ای هم میدادند "این ماجرای ندگین تکرار نباید گردد" . از لابلای جمعیت کسی به پاسدارها میگفت اگر از گاز اشک آور و یا تیرهوائی استفاده کنند بدمیبینند. خلاصه بعد از چندین ساعت کشمکش ، پاسداران موفق به تخلیه خانه مزبور نشده ، محل را ترک کردند. مردم با روحیه بسیار بالائی درحالیکه با یکدیگر در گروههای چندنفره صحبت از موفقیتشان میکردند ، متفرق شدند. لازم به تذکر است که حدود یک هفته پیش از این ماجرا شهردار هفت حوض نارمک که برای بازدید از خانه‌های خاک سفید و احتمالا طرح برنامه خراب کردن آنها به آنجا رفته بود توسط عده‌ای از مردم ظاهرا به صرف یک لیوان شربت خنک دعوت میشود. او را به کوچه‌ای میکشانند و کتک مفصلی میزنند. (این قضیه به نقل از یکی از اهالی خاک سفید گزارش شده ولی بازجای تحقیق و بررسی دارد. کتک خوردن شهردار).

ـ با یکی از اهالی خاک سفید صحبت میکردم میگفت ـ چندی قبل به سراغ من آمدند و در موردخانه‌ام با پیچ من شدند. حتی من را یکبار به دادگاه بردند. رئیس دادگاه که آخوند بود ، به من گفت " این زمین غصبی است . نماز ندارد . گناه دارد . این زمینی که شما ساخته‌اید مال صغیر است. من هم میتوانم بیایم زمینی را بگیرم و یک خانه بسازم ولی ماهی ۴۵۰۰ تومان کرایه می‌دهم ." من به او جواب دادم : کدام صغیر مستضعف ۵۰۰۰ متر زمین دارد ؟ ثانیا شما فقط ۴۵۰۰ تومان کرایه خانه‌تان است من تمام حقوقی که میگیرم ۴۰۰۰ تومان است. با چه پولی زن و بچه‌هایم را سیر کنم ؟ ثانیا من ناموس و هر چه داشته‌ام روی این خانه گذاشته‌ام و امکان ندارد که آنرا از دست بدهم ." آخوند کمی فکر کرد . چیزی نگفت . من هم اجازه گرفتم و از دادگستری زدم بیرون .

ـ یکی از مردم خاک سفید میگفت :
دلم میخواهد دولت بیاید و چند خانه را روی سر ما خراب کند . ما منتظر یک جرقه هستیم . اگر آن دفعه انقلاب از افسریه شروع نشد ، این بار از خاک سفید شروع خواهد شد .

ـ در ملاورد (کرج) یکی از دهات شهریار آخوند محل که احتمالا امام جمعه هم باشد یک دختر ۹ ـ ۱۰ ساله را به عقد درآورده و این مساله باعث برانگیخته شدن خشم مردم محل شد . مردم به در خانه آخوند ریخته‌اند و بنای فحش و ناسزا به او را گذاشته‌اند و خواستار برکناری‌اش شده‌اند . مردم بطور جنبی و تا حدی غیر قابل لمس به رژیم هم حمله کرده‌اند .

ـ خبری داشتیم از یکی از دهات شهریار (قجرآباد) مبنی بر اینکه هفته‌ی گذشته یکی از جوانان ده که دوره سربازی‌اش را در جبهه میگذراند و حدود ۲۰ روز به پایان خدمتش بیشتر باقی نمانده بود در جریان یکی از این حمله‌ها کشته شده است ، جهره‌ی ده عوض میشود و مردم مثل اینکه عاشورا باشد سینه میزنند و عزاداری میکنند .
مطلب جالب توجه اینجاست که روز سوم که مراسم ختم برگزار میشد ، یکعده از طرف سپاه پاسداران برای ایراد سخنرانی می‌آیند اما با مقاومت عجیب و غریبی از طرف پدر شهید مواجه میشدند . پدر ایستادگی میکند و در حالی که بر وضعیت روحی خود کنترل نداشت به بدو بیراه گفتن به جنگ و رژیم و ناله و نفرین کردن میپردازد . افراد سپاه که جا خورده بودند پدر را نصیحت میکنند ، میگویند که برایشان برنج و روغن و ... آورده‌اند که پدر با عتاب آنها را پس میزند و میگوید که حالا دیگر احتیاجی به آنها ندارد . زمانی که پسری را با زجر و کار و بدبختی بزرگ کردم و به سن بیست رسانده‌ام و حالا خبر مرگش را به من میدهند دیگر احتیاجی به برنج و روغن شما ندارم ، پسر من که پاسدار نبود پس شما برای چه میخواهید سخنرانی راه بیندازید و ... با این برخورد پدر ، پاسداران از خیر سخنرانی میگذرند و میروند ولی برای روز هفتم یک نفر از بنیاد شهید می آید و بالاخره موفق میشود که سخنرانی اجرا نشده را انجام دهد (مسوئق ۱۲ شهریور ۶۲)

شیراز ـ چریکهای اقلیت شیراز پس از حادثه افسریه تهران ، یک اعلامیه درآورده

انقلابیدکه به‌این ضدانقلابیون (یعنی تظاهر-
کنندگان) همکاری میکنید. ضمن اینکه
شهربانی برسراین مسئله باسپاه مشغول
درگیری لفظی بود، مردم نیزاورا متهم به
همکاری با رژیم میکنندولی بالاخره شهربانی
موفق میشودطرفین راآرام کرده وبه این
مسئله خاتمه دهد.

- تهران. خیابان هاشمی - خیابان ها-
شمی دراواخرتیرماه واوائل مردادشاهد
گرگتازیهای ثارالله ودستگیری وسیع
جوانان مبارزاین خیابان بود. این
دستگیریها بدنبال حادثه‌ای رخ داده‌است که در
زیرشرح میدهیم.

یك آخوندکه پیشنماز مسجدغرب
تهران بوده ازطرف یك معلم بروبرشی به یك
دبیرستان دخترانه جهت سخنرانی دعوت
میشود. درموقع سخنرانی دانش آموزان
دختراین آخوند راهومیکنند. آخوند
پس ازبازگشت به مسجد موقع نمازبه
محصلین این دبیرستان دخترانه میتازدوآنها
رافاحشه میخواند. این حرف بااعتراض زنان
ومردان حزب الهی مسجد مواجه میشودوبین
مردم وپاسداران محافظ آخونددرگیری صورت
میگیردکه منجربه عقب نشینی پاسدارها می-
شود. چندروز بعد گشت ثارالله براه
میافتدوهرجا دوسه جوان رادراین خیابان
میبینددستگیرمیکند. تااین ساعت ازسرنوشت
دستگیرشده‌ها خبری دردست نیست.

- تهران. خیابان هاشمی - (خبرقبلی
ازمنبعی دیگر) - خبر موثق داشتیم ازخیا-
بان هاشمی درمنطقه غرب تهران درموردد-
گیری " بچه‌های محل" باپاسداران رژیم.
قضیه ازاین قراربوده که آخوند
امام جماعت مسجد هاشمی توسط مدیریکی
ازدبیرستانهای دخترانه آن محل برای
سخنرانی دعوت میشود. درمیان سخنرانی
حاج آقا، دختران دبیرستان شروع به
سروصدا کردن میکنندوباتوهین مدیروحاج آقا
مواجه شده وبالاخره حاج آقاراهومیکنند
اپشان هم عصبانی محل سخنرانی راترك
میکنند. شب درمسجد به بدگوئی درمورد
دختران مدرسه میپردازدوحرفهای رکیکی
به آنان میگوید. که باعث اعتراض مادران
آنهاکه درقسمت زنانه نشسته بودندمیشوند.
کاربدوبیراه گفتن بین زنان وحاج آقابالا
میگیردوزنان مسجدراترك میکنند. پاسداران
شخصی حاج آقاکه ۵- ۶ نفربودندودربیرون
مسجدبه زنان حمله میکنندوقصددستگیری
عده‌ای ازآنان راداشتندکه پسرهای محل خبردار
شده وبادرگیری وفحش دادن به پاسداران مانع
بردن مادران وخواهرانشان به کمیته میشوند.
دراین میان کتك کاری بین جوانان وپاسدار-
ان پیش میاید. اماچون عده جوانان
محل بیشترازپاسداران بودمآنها عقب نشینی
میکنند. بعدازدوسه روز که ازماجرا میگذرد
حاج آقادرتصادف رانندگی کشته میشود
وپسرش به جای ازبرتخت مینشیند. پسر
حاج آقابرای انتقام گرفتن ازبچه‌های هاشمی
مساله راباسپاه درمیان میگذارد وازدوسه
روزبعدگشت ثارالله مثل سگ‌هاربه جان
بچه‌های هاشمی میافتدودسته دسته بچه‌ها
راتحت عناوین گوناگون ازقبیل دختربازی
ولگردی، مزاحم زن ودخترمردم شدن و.....
آنان رابه اوین میبرندتابدین وسیله
ازبچه‌های هاشمی انتقام مقاومتی راکه
ازخودنشان دادندبگیرند. تاکنون اطلاعی
ازکسانی که دستگیرکرده‌اندنداریم.

- حدودیکماه پیش باعده‌ای که
خانه‌شان درخاك سفیدتهران پارس است به
خانه آنها میرفتیم. حدودساعت ۸/۳۰ بعد
ازظهربودکه درراه دیدیم جمعیت زیادی اززن
ومردوبچه وپیروجوان ایستاده‌اند. پیاده
شدیم. خبردارشدیم که حدوساعت ۲ بعد
ازظهرچندماشین کمیته به آن محل رفته وخوا-
سته‌اندخانه‌ای راتخلیه کنندکه بامقاومت
صاحبخانه روبروشده‌اند. آنها میخواستند
به‌زوراثاث صاحبخانه رابه بیرون خانه
منتقل کنندواثاثیه خودرا آنجا بگذارند.
ولی مردم جمع شدندونگذاشتندکه این کار را
بکنند. ودراین کشاکش ودرگیری لفظی بین
مردم وپاسداران درگرفت. هرکس حرفی
میزد. کاربه فحش دادن کشید. پاسداران به-
دم راتهدیدکردند. یکی ازجوانان ازمیان

و در سطح یك محله در شیراز پخش کرده‌اند .

شیراز ـ در شیراز چندین اعتصاب کارگری بوده که سرکوب شده .

شیراز ـ مرداد ماه یك درگیری مسلحانه که حالت سنگر بندی داشته است بین دو دسته افراد مسلح صورت میگیرد . رهبری یك دسته را آخوندی که با رژیم مخالف بوده به عهده داشته است . بنظر میرسد این درگیری مربوط به دعواهای دو جناح حجتیه و خط امامیها باشد .

ـ خبر از درگیری میان کشاورزان خمین و پاسداران بدستمان رسید ، قضیه ظاهراً از این قرار بوده است که جهاد سازندگی مدتی است در زمینهای اربابی که از طرف دولت غصب و مصادره شده و در اختیار جهاد قرار گرفته مجاه عمیق میزند . این کار باعث کم آب شدن قناتها گردیده و سبب نارضایتی مردم خمین شده است . علیرغم اعتراضات مردم مجهاد به زدن چاههای عمیق ادامه داده و باعث خشك شدن یکسری از قناتها گشته است . که اینبار دیگر مردم خشمگین با بیل و کلنگ به سراغ " جهادگران " رفته‌اند . کار به زد و خورد کشیده و سرو کله پاسداران هم آن وسط پیدا شده که کار بالا میگیرد و طبق گفته مردم ، پاسداران به طرف کشاورزان تیراندازی کرده و چند نفر را زخمی میکنند (در این زمینه شنیده‌ایم که حدود ٤ الی ٥ نفر کشته شده‌اند که صحت و سقم آن باید تحقیق شود)

۲۵ / ۰٦ / ٦۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

بدون مبارزه مسلحانه ، پیروزی انقلاب ممکن نیست

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق